



جایگاه اجتماعی زنان در دوره ساسانی (به استناد مهرها و اثر مهرها)

بهرخ جمالی^۱، میرا محمد حسنی^۲، مهرناز بهروزی^۳

^۱ گروه تاریخ و باستان شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. jamalibehrokh@yahoo.com
^۲ (نویسنده مسئول) گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. mohamadhasani18@yahoo.com
^۳ گروه تاریخ و باستان شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mehrnaz_behroozi@yahoo.com

چکیده

آگاهی‌های به دست آمده در زمینه تاریخ اجتماعی در ایران باستان به دلیل شیوه تاریخ‌نگاری و محدودیت منابع مکتوب همواره مشکلاتی را بر سر راه پژوهشگران قرار داده است. در این میان آثار بر جای مانده از دوره ساسانی (۲۲۴-۶۵۱م) به لحاظ کمی و کیفی اطلاعات بیشتری در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. اگرچه سهم زنان به عنوان جمعیتی قابل توجه از جامعه با محدودیت مواجه است. مسأله مورد بررسی در این پژوهش چگونگی بازشناسی وضعیت زنان در دوره ساسانی بر اساس مهرهای برجای مانده از این دوره است. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که به گواهی مهرها، اثرمهرها، سکه‌ها و سایر آثار هنری دوره ساسانی، زنان علاوه بر مقام ملکه، به مقام پادشاهی نیز رسیده‌اند. مهرهایی نیز از تصاویر زنان در کنار مردان، صحنه‌هایی چون صحنه اهدای گل که به عنوان درخواست ازدواج و پیمان بستن تلقی می‌شوند تصویر شده است. استفاده از نقش‌مایه‌های زنان بر روی مهرها و دیگر آثار هنری را می‌توان تحول و نگرشی جدید نسبت به زنان در جامعه ساسانی تلقی کرد.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی جایگاه زنان در جامعه ایران در دوره ساسانی.
۲. واکاوی جایگاه زنان در دوره ساسانی با تکیه بر مهرهای این دوره.

سؤالات پژوهش:

۱. زنان در دوره ساسانی از لحاظ جایگاه اجتماعی در چه موقعیتی بوده‌اند؟
۲. مهرهای برجای مانده از دوره ساسانی چه روایتی از جایگاه زنان در جامعه دارند؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۳۹

دوره ۱۷

صفحه ۱۴۱ الی ۱۵۸

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

تاریخ داوری: ۱۳۹۸/۱۲/۱۷

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

دوره ساسانی، مهرها، جایگاه زنان.

ارجاع به این مقاله

جمالی، بهرخ، حسنی، میرزامحمد، بهروزی، مهرناز. (۱۳۹۹). جایگاه اجتماعی زنان در دوره ساسانی (به استناد مهرها و اثر مهرها). هنر اسلامی، ۱۷(۳۹)، ۱۴۱-۱۵۸.

doi dx.doi.org/10.22034/IAS.2020.222833.1222/

مقدمه

حکومت ساسانی که بیش از ۴ قرن (۲۲۴-۶۵۱م) در ایران حکومت داشت، دارای ویژگی‌های خاصی از نظر ساختار سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بود. در این دوره، طبقات و گروه‌های اجتماعی هر یک دارای جایگاه و مشخصات منحصر به فردی بودند. در این میان، زنان نیز مانند دیگر اعضای جامعه دارای نقش و وظایف خاصی بودند. ضرورت پرداختن به بحث زنان و بازتاب جایگاه آن‌ها در مهرهای دوره ساسانی از آنجا مطرح می‌گردد که مطالعه و واکاوی جایگاه زنان در این دوره به علت منابع برجای مانده از این دوره دشوار است. منابع بر جای مانده از ایران باستان که عبارت از کتیبه‌ها، سکه‌ها، مهرها و دیگر آثار است به لحاظ کمیّت با محدودیت مواجه است. یکی از عمده‌ترین دلایل این کاستی را تکیه بر سنت شفاهی در ادبیات ایران پیش از اسلام باید برشمرد. با گذشت زمان و رواج نگارش در دوره ساسانی به تدریج ادبیات نوشتاری جایگزین ادبیات شفاهی گردید. یکی از محدودیت‌هایی که همواره منابع تاریخ ایران باستان با آن مواجه بوده، نپرداختن به تاریخ اجتماعی و انحصار تاریخ نگاری به مسائل سیاسی و درباری است. آگاهی ما از زنان و مردان و به عبارتی طبقه عامه جامعه در دوره ساسانیان محدود است. زنان در ایران باستان به عنوان جمعیت قابل توجهی از جامعه نقش‌های مختلفی را در جامعه ایفا کرده‌اند، اما در آثار بر جای مانده بنا بر سنت‌های آن زمان کمتر به تصویر کشیده شده‌اند. هنر در دوره ساسانی رونق زیادی یافت و این رونق ابعاد مختلف هنر منعکس گردید. مهرهای دوره ساسانی از آثار هنری کاربردی این دوره هستند که واکاوی آن‌ها می‌تواند روشنگر بخش‌هایی از تاریخ اجتماعی دوره ساسانی باشد.

بررسی پیشینه پژوهش حاضر نشان می‌دهد تاکنون مطالعات گوناگونی در مقوله هنر ساسانی انجام شده است که نقش‌مایه‌های زنان نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در این بررسی‌ها اغلب حضور زنان در آثار هنری و یا به صورت اختصاصی مهرهای ایران باستان به‌طور کلی مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از این پژوهش‌ها، مقاله‌ای با عنوان: «نقش‌مایه زن بر روی مهرهای ایران: از دوره پیش خطی تا پایان دوره ساسانی»، است که با قلم نصرت‌الملوک مصبح اردکانی و ابوالقاسم دادور به رشته تحریر در آمده است و در فصلنامه پژوهش زنان ۱۳۸۷ شماره ۴ به چاپ رسیده است. در این اثر نویسندگان اشاره‌ای نیز به حضور زن در مهرهای دوره ساسانی داشته‌اند. آن‌ها بر آنند که نقش‌مایه زن در این دوره در ارتباط با آناهیتا ایزدبانوی آب است (اردکانی، دادور، ۱۳۸۷: ۱۷۷). پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای با کاربرد رویکرد تحلیل محتوای مهرهای دوره ساسانی به واکاوی نقش و جایگاه زنان در جامعه دوره ساسانی بپردازد و زوایای تاریک برجای مانده از وضعیت زن در این دوره را روشن سازد.

۱. زنان در دوره ساسانی

مطالعه جایگاه و وضعیت زنان در دوره ساسانی نشان می‌دهد موقعیت آنان در جامعه ایران در دوره باستان تا حد زیادی وابسته به جایگاه طبقاتی آن‌ها بوده است. از سوی دیگر دین یک جامعه نقش مهمی در ترسیم سیاست‌ها و فرهنگ‌های موجود در یک جامعه دارد. در دوره ساسانی، مذهب زردشت به عنوان مذهب رسمی اعلام شد، بنابراین واکاوی نگاه متون زردشتی به زنان می‌تواند تا حدی مشخص‌کننده وضعیت آن‌ها در دوره ساسانی باشد. در آیین زرتشت نسبت به زنان نگاه‌های متفاوتی وجود دارد. دین زرتشت، زن و مرد را هم شأن هم دانسته و زن را به عنوان یک گرونده به دین زرتشتی که وجدان وی مورد خطاب است می‌شناسد. سپس هر مرد و زن از شما از این دو راه

نیکی و بدی، یکی را برای خود برگزیند. این آیین را پیش از آنکه روز بزرگ، روز برگزینی راه زندگانی معنوی و مادی فرارسد، دریابید و نیک بفهمید.» بنا بر دیدگاه گاهان زن آزاد است که در پرتو خرد و شناخت خویش آن چه را بهتر داند برگزیند (یسنا، هات ۵۳، بند ۳). در بخش‌هایی دیگر از «اوستا» هر جا از روان مردان پاک و پرهیزگار سخن به میان آمده، بلافاصله روان چنین زنانی نیز بیان شده و به آنها نیز درود فرستاده شده است: «... فروهرهای مردان پاکدین ممالک ایران را می‌ستاییم، فروهر زنان پاکدین ممالک ایران را می‌ستاییم...» (فروردین‌یشت، کرده ۳۱، بند ۱۴۳). از میان متون دینی که نگاهی منفی نسبت به زنان داشته می‌توان به «بندھش» اشاره کرد. در بخش ۹ این کتاب چنین آمده که اورمزد ناتوان بود از این که مخلوق دیگری غیر از زن برای فرزندآوری بیافریند، اگر می‌توانست جز این کند، همان می‌کرد. به نظر می‌رسد، در ذهن روحانیون یا مردان، زنان در قلمرو اهورایی قرار ندارند. زنان به منزله مخلوقاتی نگریسته می‌شدند که می‌توانستند نظیر همتای خود در اسطوره زرتشتی که دیو زنی به نام «جهی» است، جامعه را ویران کنند (Daryaei, 2009: 59).

به موازات تفکرات مثبت و منفی نسبت به زنان، برخی قوانین دینی نیز آنان را با محدودیت‌هایی مواجه می‌کرد. از جمله باب پانزدهم «وندیداد»، به احکام سقط جنین و گناه بودن این عمل و مجازات‌های در نظر گرفته شده آن و فصل شانزدهم وندیداد نیز به احکام دشتان (عادت ماهانه) اشاره دارد (داعی‌الاسلام، ۱۳۹۱: ۱۵۲-۱۴۵). این احکام زنان را با محدودیت‌های فردی و اجتماعی زیادی مواجه کرده بود. نوع پوشش زنان نیز آنان را با محدودیت مواجه می‌کرد. به عنوان مثال در فرگرد ۷۳ ارداویراف‌نامه آمده «زنانی که چهره خود را رنگ می‌کنند و از گیسوی دیگران برای آراستن خود استفاده می‌کنند و باعث گمراهی مردان می‌شوند، به دوزخ می‌روند» (عقیقی، ۱۳۹۱: ۶۴). بنابر آنچه از برخی متون فارسی میانه استنباط می‌شود دیدگاه‌های منفی نسبت به زنان در جامعه ساسانی وجود داشته است. اگرچه از دیدگاه امروزی برخی از تفکرات و رفتارهای اعمال شده مصداق خشونت علیه زنان تلقی می‌شوند، شاید در جامعه ساسانی کاملاً رایج و عادی به نظر می‌رسیده و حتی در جوامع دیگر نیز به همین شیوه رفتار می‌شده است. علی‌رغم آنچه از برخی متون استنباط می‌شود، بر اساس آگاهی‌های به دست آمده از متون حقوقی ساسانی، در این دوره حقوق زنان در زمینه ازدواج، ارث، طلاق و مالکیت دارای تحولاتی شده است که در بخش‌هایی از مادیان هزاردادستان به آن‌ها اشاره شده است. تصویب قوانین جدید از اقدامات مثبتی است که موجب گسترش فعالیت‌های اجتماعی زنان در این دوره شد.

مطالعه وضعیت زنان در این دوره حاکی از این است که در رأس زنان جامعه، خاندان شاهی قرار داشت. واکاوی وضعیت آن‌ها نشان می‌دهد زنان درباری مانند ملکه و مادر شاه در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود آزادتر بودند. آنان در رکاب شاه سفر نموده و در مناسبت‌های رسمی دربار شرکت کرده؛ همچنین با وجود خطرات شاه را در جنگ‌ها نیز همراهی می‌کردند (بروسیوس، ۱۳۹۲: ۲۲۶). براساس نقش‌برجسته‌های موجود نیز حضورشان در بزم‌های شاهانه به چشم می‌خورد. این زنان در شکار، باده‌گساری و بزم‌ها در کنار مردان شرکت می‌کردند. دو زن در سده ۷ م به مقام پادشاهی رسیدند؛ ملکه بوران (۶۳۰-۶۳۱م) و ملکه آذرمیدخت (۶۳۱م) به عنوان یگانه بازماندگان مشروع خاندان ساسانی به این مقام رسیدند (Daryaei, 2009: 59). حضور در محافل سیاسی و میدان‌های نظامی گویای پذیرش نسبی مقام و موقعیت زنان درباری در ساختار سیاسی-اجتماعی این دوره است.

داده‌های تاریخی این دوره، این ارزش و جایگاه را تأیید می‌کند. به طوری که بنا بر سنتی ساسانی که برای روح و دوام نام بزرگان در آتشکده‌ها، آتش روشن می‌شد؛ شاپور اول (۲۳۹-۲۷۱م) بر طبق کتیبه کعبه زرتشت (بند ۱۸ تحریر پارتی) به نام دخترش آذراناهید آتش روشن کرده و از او با عنوان شهبانوان شهبانو یاد کرده است (عریان، ۱۳۸۲: ۷۲). این در حالی است که شاپور برای هریک از پسرانش نیز که شاه ناحیه‌ای بودند آتش روشن کرده ولی در رأس نام فرزندان از آذراناهید یاد کرده است (هینتس، ۱۳۹۲: ۱۹۱-۲۰۲). یاد شدن نام بانوان در کتیبه کعبه زرتشت نه بر مبنای رابطه نسبی آنان با شاپور اول، بلکه بر اساس «مقام اجتماعی» آنان بوده است و سخن شاپور بدین معنی است که دخترش آذراناهید از نظر مقام اجتماعی برتر از دیگر بانوان است و ملکه ملکه‌هاست. وی همچنین معتقد است بنا بر نظر ویسهوفر این عناوین را نمی‌توان دلیلی بر پیوند خویوده دانست، چرا که مدرک معتبر و کافی در این زمینه وجود ندارد، و اعطای این عناوین نشان‌دهنده مراتب و مقام و به جهت تبار ایشان بوده است (حسنی، ۱۳۹۳: ۷۴؛ ویسهوفر، ۱۳۹۰: ۲۱۹).

مهم‌ترین القاب زنان درباری عبارت بودند از: همسر شاه یا مادر ولیعهد به «شهبانوی شاهنشاهی» و یکی از دختران شاه را هم «شهبانوی شهبانوان» می‌خواندند. در منابع برای دینگ دختر پاک و خواهر اردشیر اول، آذراناهید دختر شاپور اول، شاپوردختک همسر بهرام دوم و احتمالاً دختر شاپور میشان شاه، عنوان «شهبانوی شهبانوان» (bāmbišnān bāmbišn) قید شده است (بروسیوس، ۱۳۹۲، ۲۲۴). لقب شهبانوی شهبانوان در میان منابع پارتیان بر سکه‌های فرهاد پنجم (۲م تا ۲م) با تصویری از مادر/ همسرش ملکه موزا نیز دیده می‌شود. همسران پسران شاه و فرمانروایان شهرها نیز لقب «شهبانو» یا «بانو» داشتند (لوکونین، ۱۳۹۳: ۱۰۸ ۲/۳). به استناد کتیبه کعبه زرتشت، دینگ شهبانوی میشان [صاحب] دستگرد شاپور (همسر شاپور میشان شاه پسر شاپور اول) که نامش در فهرست درباریان شاپور اول با رتبه ممتاز سوم آمده عنوان شهبانو را به خود اختصاص داده است (نصراله‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۰). زنان درباری عناوین دیگری نیز به خود اختصاص داده بودند، از جمله ریاست حرم شاهی که در دوره شاپور یکم بر عهده همسر بزرگ شاه بود و «بانوی بانوان» نامیده می‌شد (لوکونین، ۱۳۶۵: ۱۰۸). شاهان ساسانی با زنان غیر ایرانی و گاهی اسیران جنگی نیز ازدواج می‌نمودند؛ ولی آنان به رتبه زنان اصلی شاه در نمی‌آمدند (بروسیوس، ۱۳۹۲: ۲۲۵). تصاویر آنها بر روی جواهرات، انگشترها و تعدادی از ظروف نقره‌ای و سکه‌ها نمایان است. در کتیبه‌های شاهان و اسناد اداری نام و رتبه رسمی برخی از آنها ذکر شده است. با توجه به اطلاعات موجود می‌توان گفت فارغ از متون مذهبی که قوانینی را در خصوص زنان در این دوره یادآور شده اند دیگر منابع برجای مانده از این دوره غالباً روایت‌گر حیات اجتماعی و سیاسی زنان طبقات بالای جامعه است.

۲. زن در آثار هنری ساسانیان

یکی از ویژگی‌های هنر ساسانی نقش کردن زنان در آثار هنری است. در دوره هخامنشی یا جلوتر، زنان به ندرت به تصویر کشیده می‌شدند. بررسی آثار هنری بیان‌گر آنست که در دوره ساسانی، نگرش جامعه نسبت به زنان دچار تغییر و تحول شده است، به طوری که در آثار تصویری متعدد به وفور از نقش‌مایه زنان در حالات مختلف استفاده شده است (طلائی، ۱۳۹۳: ۱۵۷). اگر من، معتقد است اگر چه حضور زنان بر روی آثار هنری ممکن است امری نامتعارف در دوره مورد نظر تلقی شود؛ از طرفی می‌تواند بیانگر آن باشد که زنان از جایگاه اجتماعی مطلوب‌تری برخوردار

بوده‌اند (پوپ، اکرم، ۱۳۸۷: ۲/ ۱۰۰۵). بنابراین ورود زن به هنر و آثار هنری از نگاه محققان تا حدی بازتاب پذیرش سوسیالی و اجتماعی حضور پررنگ آن‌ها در جامعه عصر ساسانی است.

حضور زنان در صحنه‌های نقش شده بر آثار هنری در طول زمان دچار تغییراتی نیز گردید. از جمله این تغییرات نمایش زنان نیمه برهنه به ویژه در اواخر دوره ساسانی بود (رجبی، ۱۳۸۷: ۴۹۵/۵). نقش کردن تصاویر زنان نیمه برهنه بر روی آثار هنری از دیدگاه رجبی احتمال تأثیرپذیری از هنر بیگانگان را مطرح می‌کند. در هنر ساسانی نقش زن در قالب شخصیت ملکه ظاهر می‌شود. شیوه‌های تصویرسازی آن نیز به نوعی تقلید از شیوه‌هایی است که در تصویرسازی نقش شاهان ساسانی متداول بوده است. بدین معنی که هنرمند، چهره زنان درباری را مانند شاه و درباریان ساسانی تصویر کرده است. هرتسفلد می‌گوید اگر گیسوان بافته شده این زنان نبود، نمی‌شد آن‌ها را از مردان تفکیک کرد. او به کنایه می‌گوید گردن کلفت زنان بر نقوش ساسانی مانند گردن گشتی‌گیران حرفه‌ای آلمانی است (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۲۲۱). این ویژگی می‌تواند به علت تسری دادن عنصر احترام و بزرگی به زنان و تصاویر آن‌ها بر آثار هنری باشد.

سنت نمایش شاه به همراه همسرش روی نقش برجسته‌های صخره‌ای ایران از زمان نخستین شاه ساسانی، اردشیر اول (۲۲۴-۲۴۰ م) آغاز شد و به صورت موضوعی مقبول در هنر ساسانی درآمد (دیمز، ۱۳۸۸: ۹۷)؛ چنان‌که در نقش برجسته‌های «برمدلک»، «تنگ‌قندیل» و «سرمشهد» بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳ م) همراه همسرش در حالت‌های مختلف تصویر شده‌اند (حسنی، ۱۳۹۳: ۷۳). بررسی‌های ذکر شده نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از حضور زنان در آثار هنری دوره ساسانی متعلق به زنان درباری است. بنابراین باید گفت در این دوره، این جایگاه طبقاتی زنان است که تعیین‌کننده میزان حضور زنان در جامعه است.

۳. جایگاه زنان ساسانی در مهرها و اثرمهرهای دوره ساسانی

مهر شیئی است ساخته شده از ماده‌ای سخت، مانند سنگ، استخوان، عاج، شیشه، فلز، چوب یا حتی قطعات گلی که نقوشی بر روی آن کنده شده است. این نقوش عمدتاً نقش فرو رفته (نقش منفی) است، به گونه‌ای که با فشردن مهر بر روی گل یا موم، نقش برجسته‌ای بر روی آن‌ها باقی می‌ماند (کولون، پرادا، ۱۳۹۴: ۵). یکی از منابعی که در واکاوی جایگاه زنان در عهد ساسانی مؤثر است، مهرهایی است که از این دوره بر جای مانده است. زنان درباری دارای سلسله مراتب و القاب و عناوین نیز بوده‌اند. مهرها یکی از با ارزش‌ترین آثار باقی‌مانده از جوامع پیش از تاریخ و تاریخی فلات ایران به شمار می‌آیند. بررسی و مطالعه روشمند این آثار، باستان‌شناسان و مورخان را قادر می‌سازد تا جنبه‌های مادی و معنوی فرهنگ‌های جوامع کهن را هرچه بیشتر واکاوی نمایند (طلایی، ۱۳۹۳: ۱). علاوه بر نقش خود مهرها گاه اثر مهرهای یک دوره که بر جای مانده در ردیابی نکات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مهم است. اثرمهرها به مجموعه‌ای از قطعات و اشیای گلی گفته می‌شود که بر روی آن‌ها مهر زده می‌شود. به کمک مهرها و اثر مهرهای برجای مانده از گذشته می‌توان درباره وضع فرهنگی و اجتماعی و حتی روحی و اخلاقی گذشتگان اطلاع کسب کرد. مهرها و سنگ‌های قیمتی منابع پربراری برای شناخت هنر ساسانی به شمار می‌روند. با توجه به اینکه به‌طور کلی در هنر ایران نقش‌مایه زن از کثرت چندانی برخوردار نیست، مطالعه مهرها می‌تواند در روشن نمودن وضعیت زنان سودمند باشد (طلایی، ۱۳۹۳: ۷).

مهرهای ساسانی کم و بیش نشان از موقعیت اجتماعی صاحب مهر دارند. برای نمونه، مهر شاهان و بزرگان بیشتر به شکل نگینی از سنگ‌های قیمتی مانند یاقوت، زمرد، فیروزه و سوار بر انگشتری از جنس طلا و یا نقره است. مهرهای مردم عادی غالباً از سنگ‌های نیمه قیمتی نظیر عقیق، در، یشم و از این دست است و تراشی دارد که جای حلقه یا رکاب را هم می‌گیرد و اکثراً سوراخی دارند که از آن بندی می‌گذرانده‌اند (حصوری، ۱۳۹۶: ۳). مالکیت مهرها در دوره ساسانی فقط محدود به دیوان‌سالاران و متمولین نبود. اندازه کوچک و کیفیت پایین بسیاری از مهرهای این دوره بیانگر آن است که مالکیت آن‌ها همیشه در دست ثروتمندان نبوده است (Harper, 1978: 141). به عنوان مثال در اواخر دوره ساسانی در زمان خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹م)، به دنبال اصلاحات اقتصادی و دگرگونی نظام مالیاتی، دریافت مالیات تحت نظارت و کنترل شدید قرار گرفت، به گونه‌ای که داشتن مهر برای کارگران کشاورز و چوپانان نیز ضروری شد (حصوری، ۱۳۹۶: ۵). مهرها همان‌گونه که از نظر جنس، شکل و نقش مایه دارای تنوع هستند به لحاظ کاربرد نیز متفاوت هستند. مهرهای به دست آمده درباره زنان ساسانی به مهرهای اداری و رسمی، مهرهای ملکه‌های ساسانی و زنان درباری، مهرهایی با نقش مایه ایزدبانو آناهیتا که در بردارنده مضامین دینی است و مهرهایی با مضامین خانوادگی، تقسیم می‌شود.

۱.۳. مهرهای اداری و رسمی

متن حقوقی «مادیان هزاردادستان» به اهمیت و کاربرد مهر در انجام امور اداری و حقوقی در دوره ساسانی اشاره دارد. بر اساس آن مهرهای اداری بنا بر کاربرد به ۳ گروه تقسیم می‌شدند. ۱. مهرهای شخصی افراد، ۲. مهرهای شخصی مقام‌های رسمی، ۳. مهرهای ناشناس اداری. مهرهای شخصی برای تأیید مدارک متفاوت مثل قراردادهای اجاره، خرید و فروش و... استفاده می‌شد و در مواقع تشخیص داده شده توسط قاضی به عنوان سند بایستی به دادگاه ارائه می‌شد (Macuch, 1997: 80). با توجه به این که رسمیت بخشیدن به امور اداری توسط مهرها از سوی افراد و قضات و دادوران انجام می‌شد، به نظر می‌رسد زنان نیز نیازمند ارائه مهر شخصی بوده‌اند. البته با توجه به نقش محدود آن‌ها در مسائل مالی، اجتماعی، به همین میزان دسترسی آن‌ها به مهر نیز اندک بود.

بر روی برخی از مهرهای ساسانی تصاویر صورت زنان حک شده بود. اگر مهری بر این نکته اشاره می‌کرد که مالک آن یک فرد سرمایه‌دار بوده، استفاده از تصویر زن بر روی مهر جذابیت مضاعفی به همراه داشت. چنین مهرهایی معمولاً به همسران اصلی یا پادشازن (*pādixšāa*) اختصاص داشتند. این زنان موقعیتی قانونی و اجتماعی به عنوان «کدبانوی خانواده» در خانه (*dudag kadagbanug*) داشتند (Brunner, 1980: 38) که رسیدگی به امور داخلی خانه و خانواده، تربیت کودکان، توجه و سرپرستی سایر زنان منزل و بردگانی که در منزل زندگی می‌کردند از وظایف آن‌ها بود (بارتولومه، ۱۳۳۷: ۵۲). اختیارات و موقعیت پادشازن، وی را از همسران پایین رتبه چکر (*cagar*) متمایز می‌کرد. اگرچه پادشازن به هیچ وجه برابری قانونی با همسرش نداشت، همان‌گونه که در خانه پدرش با برادرش از نظر قانونی برابر نبود؛ اما پس از ازدواج، در رابطه با دارایی در موقعیتی پیچیده‌تر قرار می‌گرفت؛ و مهری که تصویر او را در کنار همسرش نشان می‌داد به روشنی وضعیت تغییر یافته او را به نمایش گذاشته و ضمانت قرارداد ازدواج را تأیید می‌کرد (Brunner, 1980: 38).

پادشازن که تا اندازه‌ای دارای قدرت بود به مهر خانوادگی خود، یا یکی از وابستگان برای انجام امور نیاز داشت. او ممکن بود در قراردادهای قانونی به عنوان یکی از طرفین معامله باشد. به عنوان مثال، اگر همراه با همسرش وامی را

دریافت می‌کرد، امکان داشت مسئول پرداخت کل مبلغ باشد (بارتولومه، ۱۳۳۷: ۶۴). اگر مردی قراردادی را با پادشازن با این مضمون مهر کند که: «من تو را شریک خود قرار می‌دهم»، دارایی‌های آن مرد به آن زن تعلق پیدا می‌کند. این دارایی‌ها در نتیجه اقتدار آن زن به او می‌رسند، و او این قدرت را دارد که آن‌ها را توزیع کند (عریان، ۱۳۹۳: ۲۹۷). به نظر می‌رسد که این جمله گستره نظری قابل توجهی برای فعالیت اقتصادی زنان ارائه می‌دهد؛ که احتمالاً گاهی اوقات در عمل اجرا می‌شد.

علاوه بر این، یک زن می‌توانست کنترل سرمایه را به روش‌های دیگر نیز به عهده بگیرد. مثلاً قرارداد طلاق (مقدار سرمایه قبلاً در قرارداد ازدواج مشخص شده است) یا، به عنوان یک بیوه، از دارایی همسرش. همچنین یک زن، می‌توانست به عنوان وارث پدر اگر توسط پدرش انتخاب می‌شد به عنوان وصی قانونی‌اش سرمایه‌ای را به عنوان *stūr* (اداره کند) (Perikhanian, ۲۶, ۹-۱۲). استوری در اصطلاح حقوقی اوستا به معنی وراثت جانشین است و از آنجایی که بر اساس باورهای زرتشتی روان مرد در گذشته در صورتی می‌توانست از پل چینود عبور کند که دارای فرزند ذکور بود؛ بنابراین ازدواج عقدی به وجود آمد که ترجیحاً با یکی از نزدیک‌ترین اعضای خانواده صورت می‌گرفت و هزینه آن از اموال مرد متوفی تأمین می‌شد. هدف از این ازدواج، تقدیم یک وارث مذکر به در گذشته بود که فرزند قانونی او به حساب آید (شهزادی، ۱۳۸۶: ۹۵). بنابراین، بدیهی است که اگرچه زنان کمتری نسبت به مردان می‌توانستند وارد روابط قانونی شوند، کسانی که این کار را انجام می‌دادند دقیقاً مانند مردان به مهر نیاز داشته و آن را به کار می‌گرفتند (Brunner, ۱۹۸۰: ۳۹). وجود این مهرها خود تأییدی بر پذیرش حضور زنان و حقوق آن‌ها در امور اداری و اقتصادی است.

۲.۳. ملکه‌های ساسانی و مهرها

در دوره ساسانی تصویر ملکه‌ها بر روی ظروف نقره‌ای، مهرهای مسطح، مدال‌ها، سکه‌ها و نقش برجسته‌های صخره‌ای تصویر شده‌اند. یکی از نقش مایه‌های متداول مهرها در این دوره، همسان‌سازی ملکه ساسانی با ایزد بانو آناهیتاست. ملکه به طور مشخص نماد زمینی آناهیتا، ایزدبانوی آب‌ها محسوب می‌شود. آبان‌یشت صفات آناهیتا را چنین برشمرده است: «اردوی‌سور آناهید، به پیکر دوشیزه‌ای زیبا، بسیار توانا، خوش اندام، کمر بر میان بسته، راست‌کار، از تباری توانگر، آزاده، موزه‌هایی (کفش‌هایی) به پا کرده بود که تا قوزک او را پوشانده بود، با بندهای زرین درخشان (آبان‌یشت، ۱۳۹۲: بند ۶۴). قابل توجه است که به استناد نام حک شده بر روی برخی از مهرها می‌توان گفت که دارنده آن‌ها زن بوده است. طبیعی است که ایزدبانو باید حامی مقدس جنس مؤنث باشد. در عین حال نمونه‌های همراه با نام مردان به هیچ عنوان غیر معمول نیستند. در نمونه دیگری از مهرها پیکره زنی به صورت شخصی که دیهیم شاهی را در هوا نگه داشته و یا در حال رقصیدن، نمایش داده شده است (Bivar, ۱۹۶۹: ۲۵).



تصویر شماره ۱: پیکره زن در دوره ساسانی، منبع: (Bivar, ۱۹۶۹:۲۵).

برخی از محققین معتقد است که غنچه‌های تنها، یا دستی که غنچه‌ها را میان انگشتان دارد، نمایش‌دهنده ایزدبانو آناهیتا یا بخشی از ویژگی‌ها و نمادهای وی است (پرادا، ۱۳۹۱: ۲۷۵).



تصویر شماره ۲: تصویر دست زن در دوره ساسانی، منبع: (پرادا، ۱۳۹۱: ۲۷۵).

بنابراین باید گفت، تکرار وجود این نماد بر روی مهرهای این دوره بر اهمیت جایگاه زنان در اندیشه اجتماعی این دوره حکایت دارد.

در میان مهرهای برجای مانده از دوره ساسانی چندین مهر با نام دینگ (دینگ) معرفی شده‌اند. دینگ اسامی چند تن از ملکه‌های ساسانی است. اولین بار که به نام دینگ در منابع اشاره شده مربوط به مادر پاپک و مادر بزرگ اردشیر اول، بنیانگذار سلسله ساسانی است؛ همچنین دینگ نام یکی از دختران پاپک بود که تولد وی را حدود سال ۱۴۰ میلادی حدس زده‌اند (Gignoux, ۲۰۱: ۲۸۲). نام دینگ مادر پاپک در فهرست درباریان اردشیر در رتبه پنجم و پس از نام چهار شاه تابع اردشیر آمده است. او جایگاه ممتازی را به خود اختصاص داده؛ دینگ و رودک (مادر اردشیر) تنها بانوانی هستند که عنوانی ندارند (نصراله‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۲). نام دینگ بر روی یکی از مهرهای نگین انگشتی دوره ساسانی حکاکی شده است، این در حالی است که اغلب از پرتزه مردان استفاده می‌شده است، این مهر یکی از زیباترین مهرهای ساسانی است که بر روی آمیتیست بیضی شکل نسبتاً درشتی کنده شده و در موزه ارمیتاژ نگهداری می‌شود. تصویر ملکه به صورت نیم‌تنه و از نمای نیم‌رخ، با جزئیات و تزئین‌های مشخص شاهانه با دقت و ظرافت بر روی این

سنگ کنده شده است (حضور، ۱۳۸۶: ۱۰). اطراف مهرکتیبه‌ای به خط پهلوی نقر شده و ترجمه آن چنین است: «رئیس خواجگان [حرم] دینگ ملکه ملکه‌ها» و یا «دینگ ملکه ملکه‌ها نخستین بانوی [حرم]» (Lukonin, ۱۹۶۷: ۲۱۸).



تصویر شماره ۳: مهری از دینگ از زنان دربار ساسانی (منبع: www.sasanids.com)

وجود این مهر، گویای جایگاه برجسته زنان درباری در ساختار اداری است. پژوهشگران در مورد مالکیت این مهر اختلاف نظر دارند. بنا به فرضیاتی این ملکه هم خواهر اردشیر و هم همسر او بود و عنوان شهبانوی شهبانوان را به خود اختصاص داده بود. این ملکه مادر شاپور یکم نیز بود. بیشتر پژوهشگران اعتقاد دارند که مهر کتیبه‌دار موزه ارمیتاژ متعلق به همین ملکه است (Gignoux, ۲۰۱۱: ۲۸۲). شهبازی ضمن تشریح نظریات مختلف اشاره می‌کند که مورتمان نخستین بار در مقاله‌ای از این مهر نام برده و نقش این مهر را متعلق به مادر پیروز اول می‌داند؛ هر تسفلد را نیز موافق با این نظریه می‌داند (شهبازی، ۱۳۸۹: ۴۶۶). اگرمن، نیز این مهر را که قبلاً در مجموعه استروگانف نگهداری می‌شده متعلق به همسر یزدگرد دوم (۴۳۹-۴۵۷ م) دانسته و اشاره می‌کند که این ملکه در زمان درگیری دو پسرش، هرمزد سوم (۴۵۷-۴۵۹ م) و پیروز اول (۴۵۹-۴۸۴ م) برای به دست آوردن تاج و تخت برای مدتی فرمانروایی کرد (پوپ، اگرمن، ۱۳۸۷: ۱۲/۹۸۰).

مهر دیگر ساسانی متعلق به «یزدان فرای شاپور»، یکی از همسران شاپور سوم (۳۸۳-۳۸۸ م) است که از نوعی عقیق ساردونیکس ساخته شده بود و تصویر با کیفیتی از یک زن با خصائص بارز حکاکی سلطنتی ساسانی است. این مهر متمایزکننده هنر برش مهر ساسانیان است و قویاً، عمده مهرهای ساسانی را از نظر حکاکی ماده مورد استفاده و اسلوب مهرسازی متمایز می‌سازد (Ritter, ۲۰۱۷: ۲۸۷; Gyselen, ۲۰۰۴: ۱۳۶).



تصویر شماره ۴، «مهر یزدان‌فرای شاپور»، همسر شاپور سوم، منبع: (دیمز، ۱۳۸۶: ۱۹۲).

از آثار دیگر که تصاویر زنان ساسانی بر آن نقر شده می‌توان به سکه‌ای از بهرام دوم به همراه پسر و همسرش اشاره کرد. این نگاره در نقش رستم قرار دارد که در سمت راست شاه در تصویر، خانواده شاهی قرار گرفته‌اند. در تصویر شاه به سوی خانواده خود نگاه می‌کند و آن‌ها نیازی به بلندکردن دست به نشانه احترام ندارند. نام شهبانو که در تصویر سکه کنار شاه قرار گرفته شاپوردختک است که به نظر لوکونین دختر میشان‌شاه شاپور (نوه شاپور اول) بوده است. پس از شهبانو، دو شاهزاده قرار دارند (هینتس، ۱۳۹۲: ۲۶۳؛ لوکونین، ۱۳۶۵: ۱۷۴).



تصویر شماره ۵: بهرام دوم ساسانی به همراه ملکه و ولیعهد (منبع: Blogfa.com - تاریخ ۱۰).

بهرام دوم به دلیل نمایش خود به همراه خانواده‌اش بر روی آثار هنری متمایز است. این تصاویر علاوه بر بشقاب‌ها و سکه، در صحنه شکار شیر سنگ‌نگاره سرمشده نیز به نمایش در آمده است. این صحنه‌ها به پیروی از هنر آشوری و هخامنشی است (دریایی، ۱۳۹۲: ۵۹). این مهر نیز مانند بسیاری از مهرهای این دوره بر جایگاه بالای زنان درباری در فرهنگ سیاسی دوره ساسانی اشاره دارد.

نقش زن در مهرهای ساسانی به صورت نیم‌تنه، پیکره تمام‌قد، ایستاده یا نشسته تصویر شده است. از ویژگی‌های مهرها این است که به جزئیات چهره و آرایش موها توجه ویژه شده است. زنان با گیسوان بافته‌ای که اغلب پشت گوش آن‌ها آویزان است و گوشواره‌های بزرگ مروارید به آن‌ها آویخته شده تصویر شده‌اند. گاهی نیز موها در بالای سر جمع شده‌اند. حاشیه لباس در تمام مهرها قابل مشاهده است و در برخی موارد با حلقه‌ای تزئین شده است. تمام زنان با پستان‌های

تویی شکل بزرگ‌تر از حد معمول نشان داده شده‌اند. در یک مورد حتی برجستگی نوک پستان هم نشان داده شده است (دیمز، ۱۳۸۸: ۹۵). به تصویر کشیدن برجستگی سینه در هنر ساسانی امری عادی بود و از دیدگاه زیبایی‌شناسی در هنر ساسانی زن ایده‌آل زنی بود که سینه‌هایی مانند ملکه داشته باشد (Brunner, 1978: 63). به نظر می‌رسد که تمام مهرهایی که زنان ساسانی را نشان می‌دهد بانویی را به تصویر کشیده‌اند که به سمت راست نگاه می‌کند. دو دسته مهر را می‌توان تشخیص داد: گونه‌ای که فقط نیم‌تنه را به تصویر کشیده و گونه‌ای که علاوه بر نیم‌تنه، یک یا هر دو دست را نشان می‌دهد (دیمز، ۱۳۸۸: ۹۵).

در نقوش مهرهای ساسانی، زن‌ها معمولاً پرند، اشیاء، و یا ظروف را در دست دارند که از میان آن‌ها گل متداول‌تر است (Harper, 1978: 145). نقش مایه گل در هنر ساسانی کاربرد فراوانی داشته است. در تشریفات و مراسم مذهبی زرتشتی نیز همواره گل‌ها مورد تقدیس بوده و به عنوان پیشکش مورد استفاده قرار می‌گرفتند. گل‌های رز، لاله و انار به عنوان سردسته تزئینات آثار هنری دوره ساسانی مورد استفاده بوده‌اند. بر اساس باورهای زرتشتی گل لاله نماد ایزدبانوی راستی (Aštād)، ازدواج و انتظار باروری است (Brunner, 1978: 115). انار نیز به عنوان یک نشانه برجسته باروری محسوب می‌شد. از دیگر گل‌هایی که کاربرد فراوانی بر روی آثار هنری داشتند نیلوفر و زنبق را می‌توان نام برد (Brunner, 1978: 115-118). در اساطیر کهن ایرانی، نیلوفر گل ناهید به شمار می‌رفته و ناهید تصور اصلی مادینه هستی در روایات دینی ایران قدیم بوده است که از جهاتی با معتقدات هندیان باستان مشابه است (یاحقی، ۱۳۹۴: ۸۳۹).

۳.۳. مفاهیم فعالیت‌های اجتماعی و روزمره زنان در مهرهای دوره ساسانی

در گروهی از مهرهای ساسانی تصاویر مرد و زن در کنار یکدیگر، به صورت چهره به چهره و یا تمام قد و گاهی درحال اهدای گل به یکدیگر تصویر شده‌اند که از آن‌ها با مضمون ازدواج یاد شده است. پژوهشگران صحنه اهدای گل، اهدای حلقه روبان‌دار و ستاره شش ضلعی در تصاویر مهرها را به عنوان قول و قرار ازدواج و پیمان زناشویی تفسیر کرده‌اند. در تعداد فراوانی از مهرها نیز، نقش زنی غنچه به دست، یا دستی با غنچه‌هایی میان انگشتان و یا یک یا چند غنچه تنها تصویر شده است. نمایش صحنه اهدای گل علاوه بر مهرهای ساسانی بر نقش برجسته‌های این دوره نیز نمود یافته است. به عنوان مثال در نقش برجسته تنگ‌قندیل کازرون و برم‌دلک شیراز از دوره بهرام دوم ساسانی، بانویی در حال اهدای گل به شاهزاده مقابل خود تصویر شده است (حسنی، ۱۳۹۳: ۷۱-۷۷). برخی از محققین اهدای گل را نماد ازدواج یا پذیرش درخواست ازدواج می‌داند (De Waele, 1978, 9-23). همان‌گونه که اشاره شد پرادا این نقوش را نماد ایزدبانو آناهیتا معرفی کرده است.

از میان مهرهایی که در بردارنده مضمون ازدواج است می‌توان به مهر عقیقی اشاره کرد که صحنه بزمی (قرن ۵ و ۶ م) را به تصویر کشیده و در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. در تصویر روی این مهر در حالی که مردی بر روی تختی تکیه زده، زنی با جام شراب و یک کاسه به سمت وی می‌آید. احتمالاً این دو زن و شوهر هستند و نه ارباب و خدمتکار. مرد کاسه را در دست داشته و دستان خود را به نشانه احترام به زن بلند نموده است. هارپر عقیده دارد چون ازدواج یک قول و قرار محسوب می‌شده این‌گونه طرح‌ها بر روی مهرها نقش شده است. از تصاویر دیگر حک شده بر روی این مهر می‌توان به اشیای زیر تخت اشاره کرد که عبارتند از یک کاسه غذا، سر یک نوع آهو که شاید ظرف شراب باشد و یا نشانگر شغل مرد که احتمالاً شکارچی است. می‌توان سرهای زیر تخت را به سرهای گراز تعبیر نمود (Harper,

۱۹۷۸:۱۴۸). نقش‌مایه گراز در ایران باستان جزو نقش‌مایه‌های محبوب به شمار می‌آمده است. گراز دارنده صفاتی چون نیرومندی، قدرت، راستی و نماد ایزد بهرام است (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۲۲۶).



تصویر شماره ۶: زن در اثر مهرهای ساسانی. منبع: (www.sassanids.com)

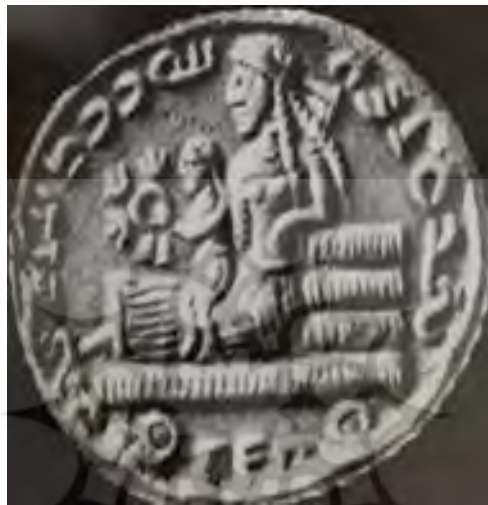
مهری مسطحی نیز در موزه متروپولیتن نگهداری می‌شود که بر روی این مهر زن و مردی در حالت نشسته نشان داده شده و هرکدام یک گل به سمت هم گرفته‌اند. زن تصویر شده در این مهر لباس بلند پوشیده و موها را با یک سربند بسته است. در بالای تصویر دو ستاره شش ضلعی خورشید قرار دارد. برونر این ستاره‌ها را نماد ازدواج می‌شناسد. این زوج در حال گرفتن حلقه ازدواج روبان‌دار هستند (Brunner, ۱۹۷۸: ۶۴).



تصویر شماره ۷: زن و مرد در دوره ساسانی، منبع: (www.sassanids.com).

روبان و دستار نمادی از فره ایزدی است (کریستن‌سن، ۱۳۷۲: ۵۳۷). روبان موایی که در مهرهای ساسانی به دور گردن حیواناتی چون قوچ و اسب و یا گل‌ها نیز بسته شده است؛ نمادی از فرهمندبودن این موجودات است؛ این نوارها هویتی کیهانی نیز داشته‌اند (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۱۰۸۲/۲). از دیگر نقوش حک شده زنان بر روی مهرها، اثرمهری از جنس

سنگ یمانی مربوط به قرن ۴م است که در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. در این اثر مهر، زنی که تاجی از مهره‌ها بر سر دارد بر زانوانش مردی که دسته‌گلی در دست دارد را نگه داشته است. دیوید بیوار چنین دسته‌گلی که در مهرهای ساسانی دیده می‌شود را نشانه قول و پای‌بندی به ایمان می‌داند. هیچ نشانه‌ای مبنی بر این که زن تصویر شده بر روی این مهر، سمبل رب‌النوع است وجود ندارد؛ و حالت نشستن وی در این نقش مانند خدایان دوره ساسانی نیست بلکه بیشتر شبیه به حالت و طرز نشستن انسان است. ممکن است که معنای این صحنه با تولد کودک مذکر یکی باشد (Harper, ۱۹۷۸: ۱۴۶).



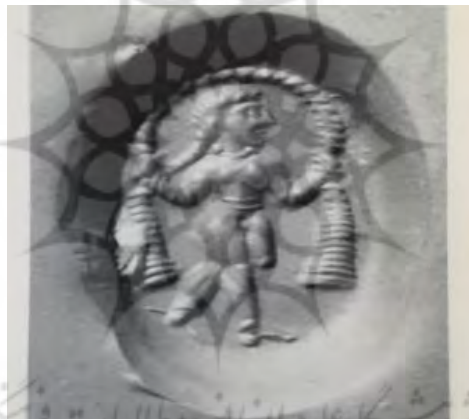
تصویر شماره ۸: زن در دوره ساسانی همراه با فرزند. منبع: (Harper, ۱۹۷۸: ۱۴۶).

گیرشمن این اثر مهر را صحنه بزمی که در آن مادر و دختری به تصویر کشیده شده‌اند معرفی کرده است (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۲۴۲). این مهر نیز بر آزادی زنان برای شرکت در مهمانی‌ها که البته احتمالاً مربوط به خاندان شاهی است، اشاره دارد. برخی پژوهشگران احتمال می‌دهند این مهر به مسیحیانی که در نقاط مختلف ایران زندگی می‌کردند، تعلق داشته باشد و این نقوش حضرت مریم و مسیح را بازنمایی کرده‌اند. در گروهی از اثرمهرهای ساسانی تصاویر زنان نیایشگر، زنان رقاص و برهنه حک شده است. سه نمونه از این اثر مهرها متعلق به قرن چهارم میلادی است که در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. در یکی از اثر مهرهای این دوره زنی برهنه را به تصویر کشیده که گل و یک خوشه انگور به دست دارد (Harper, ۱۹۷۸: ۱۴۵).



تصویر شماره ۱۰: تصویر زن دوره ساسانی (منبع: ۱۴۵: Harper, ۱۹۷۸).

این اثرمهر نیز در عین حال که اشاره به فعالیت زن در دوره ساسانی و حضور او در مراسمی خاص دارد. راه‌پایی او به مهرهای این دوره خود روایتگر اهمیت زن به عنوان فردی مؤثر در اجتماع این دوره است.



تصویر شماره ۱۱: زن در دوره ساسانی (Brunner, ۱۹۷۸, ۶۲).

این اثرمهر، زنی را به تصویر کشیده که در یک دستش گل و در دست دیگر لباسش را گرفته است (Harper, ۱۹۷۸: ۱۴۵). نوع پوشش او نشان از طبقه اجتماعی وی دارد. به نظر می‌رسد از طبقات معمولی جامعه باشد.

نتیجه‌گیری

یکی از ویژگی‌های آثار هنری دوره ساسانی استفاده از نقش‌مایه زنان بر روی آثار هنری است. بیشتر تصاویر بر جای مانده از زنان ساسانی متعلق به ملکه‌ها و زنان درباری است که در نقش‌برجسته‌ها، و بر روی مهرها، و نشان‌ها، ظروف و سکه‌ها نقش شده‌اند. بررسی مهرها و اثرمهرهای ساسانی بیان‌گر کاربرد وسیع مهر در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بین سطوح مختلف آن جامعه است. زنان نیز به عنوان بخشی از جامعه از مهر برای انجام امور اداری، حقوقی و... استفاده می‌کردند. برخی از نقش‌مایه‌های زنان بر روی مهرهای ساسانی عبارتند از: تصاویر ملکه‌ها، ایزدبانو آناهیتا، تک‌چهره زنان درباری، تصاویر زن و مرد در کنار یکدیگر، مادر و فرزند، زن نیایشگر و زن رقصنده. تنوع به کار رفته در موضوعات مهرهای زنان بیانگر آن است که زنان در جامعه ساسانی علیرغم برخی قوانین سختگیرانه و دست‌وپاگیر که

از سوی روحانیون زرتشتی برای آنان اعمال شده بود؛ نسبت به حکومت‌های پیشین سهم بیشتری در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برعهده داشتند و با تجدید نظر در برخی قوانین دینی به تدریج از شأن و جایگاه مناسب برخوردار گردیدند؛ چنان‌که صاحب املاک، حق انتخاب همسر، ازدواج، طلاق و ارث نیز بوده‌اند. تصاویر زن و مرد در کنار یکدیگر بر روی مهرهای ساسانی که به عنوان پیمان ازدواج تعبیر شده‌اند نیز نشانگر بهره‌مندی زنان از حقوق اجتماعی و تأثیرپذیری از فرهنگ‌های مجاور می‌تواند تلقی شود. با این حال اندک بودن تعداد مهرهای برجای مانده از این دوره سبب شده تا نتوان به چشم‌انداز کاملی از وضعیت زن در دوره ساسانی دست یافت. بدون تردید تسلط ساختار طبقاتی بر وضعیت و جایگاه افراد و گروه‌ها در جامعه دوره ساسانی سبب شده تا زنان غیر درباری در جامعه نقش پررنگی نداشته باشند و فقدان آثاری از آن‌ها در مهرها مخصوصاً مهرهای اداری می‌تواند تأییدی بر این مدعا باشد. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که مهرها در کلیت از آثار تجملاتی این دوره محسوب می‌شدند بنابراین مطالعه آن‌ها بیشتر در بازشناسی وضعیت زنان درباری و میزان حضور آن‌ها در ساختار سیاسی و اجتماعی این دوره مؤثر بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مآخذ:

کتاب‌ها:

- آبان‌یشت. (۱۳۹۲). ترجمه چنگیز مولایی. تهران: دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- ارداویراف‌نامه. (۱۳۹۱). پژوهش رحیم عفیفی (چاپ سوم). تهران: توس.
- اوستا (کهن‌ترین سرودهای ایران). (۱۳۹۲). پژوهش جلیل دوستخواه. جلد ۱ و ۲، چ ۱۷، تهران: مروارید.
- بارتولومه، کریستیان. (۱۳۳۷). زن در حقوق ساسانی. ترجمه ناصرالدین صاحب‌الزمانی، تهران: موسسه مطبوعاتی عطایی.
- بروسیوس، ماریا. (۱۳۹۲). ایران باستان (چاپ دوم). ترجمه عیسی عبدی، تهران: ماهی.
- پرادا، آیدات. (۱۳۹۱). هنر ایران باستان (چاپ چهارم). ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران: دانشگاه تهران.
- پوپ، آرتور؛ اکرم، فیلیپس. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران (چاپ دوم). جلد ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- حسنی، میرزا محمد. (۱۳۹۳). نقش برجسته‌های نو یافته ساسانی (۲۰۰۴-۱۹۵۰ م). تهران: ققنوس.
- دریایی، تورج. (۱۳۹۲). امپراتوری ساسانی. ترجمه خشایار بهاری، تهران: فرزانه‌روز.
- دریایی، تورج. (۱۳۹۲). ناگفته‌های امپراتوری ساسانیان (چاپ دوم). ترجمه آهنگ حقانی، محمود فاضلی بیرجندی، تهران: پارسه.
- دیمز، اورلی. (۱۳۸۸). تندیس‌گری و شمایل‌نگاری در ایران پیش از اسلام. ترجمه علی اکبر وحدتی، تهران: ماهی.
- رجبی، پرویز. (۱۳۸۷). هزاره‌های گمشده (چاپ سوم). جلد ۵، تهران: توس.
- شهبازی، علیرضا شاپور. (۱۳۸۹). تاریخ ساسانیان (ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شهبزادی، رستم. (۱۳۸۶). قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان (چاپ دوم). تهران: فروهر.
- طلایی، حسن. (۱۳۹۳). مهر در ایران از آغاز تا صدر اسلام. تهران: سمت.
- عریان، سعید. (۱۳۸۲). راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی- پارتی). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فرنبرگ دادگی. (۱۳۹۰). بندهش (چاپ چهارم). پژوهش مهرداد بهار، تهران: توس.
- قلی‌زاده، خسرو. (۱۳۹۲). دانشنامه اساطیری جانوران و اصطلاحات وابسته. تهران: پارسه.
- کریستن‌سن، آرتور. (۱۳۷۲). ایران در زمان ساسانیان (چاپ هشتم). ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.

کولون، دومینیگ؛ ادیت، پرادا. (۱۳۹۴). مهر در خاور نزدیک و ایران باستان. ترجمه پوریا خدیش، تهران: علمی و فرهنگی.

گات‌ها. (۱۳۹۱). سرودهای زرتشت. برگردان به فارسی فیروز آذرگشسب، تهران: فروهر.

گیرشمن، رومن. (۱۳۹۰). هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی (چاپ سوم). ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: علمی و فرهنگی.

لوکونین، ولادیمیر. (۱۳۶۵). تمدن ایران ساسانی (چاپ دوم). ترجمه عنایت‌اله رضا، تهران: علمی و فرهنگی.

لوکونین، ولادیمیر. (۱۳۹۳). نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری، مالیات‌ها و داد و ستد، تاریخ ایران کمبریج (چاپ ششم). از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، جلد ۳، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

نصراله‌زاده، سیروس. (۱۳۸۴). نام تبارشناسی ساسانیان از آغاز تا هرمز دوم. تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

نیری، سیوا. (۱۳۷۹). رازهای سر به مهر (منتخبی از مجموعه مهرهای اهدایی دکتر نیری به موزه ملی ایران). تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

وندیداد (حصه سوم کتاب اوستا). (۱۳۹۱). ترجمه سید محمد علی داعی‌الاسلام. تهران: کتابخانه دانش.

ویسهوفر، یوزف. (۱۳۹۰). ایران باستان (از ۵۵۰ پ.م تا ۶۵۰ پس از میلاد) (چاپ یازدهم). ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

هرتسفلد، ارنست. (۱۳۸۱). ایران در شرق باستان. ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هینتس، والتر. (۱۳۹۲). یافته‌های تازه از ایران باستان (چاپ چهارم). ترجمه پرویز رجبی، تهران: ققنوس.

یاحقی، محمد جعفر. (۱۳۹۴). فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی (چاپ پنجم). تهران: فرهنگ معاصر.

مقالات:

حصوری، علی. (۱۳۸۶). "مضمون مهرهای تزئینی ساسانی". پهنر و مردم، ش ۷، صص ۱۳-۱۰.

حصوری، علی. (۱۳۹۶). "مهر چوپانان ساسانی". دیار، ش ۴، صص ۱۰-۳.

مصباح اردکانی، نصرت‌الملوک؛ دادور، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). "نقش‌مایه زن بر روی مهرهای ایران". فصلنامه پژوهش زن، شماره ۴، صص ۱۸۲-۱۶۱.

References:

Bivar, A. (1969). Catalogue of the western Asiatic seals in the British museum stamp seals, II: The Sasanian dynasty. published by the Trustees of the British museum. London.

Brunner, J. (1980). Sasanian Seals in the Moore Collection: Motive and Meaning in some popular Subjects. The Metropolitan Museum of Art.

Daryaei, T. (2009). Sasanian Persia, the rise and fall of an empire. I.B Tauris & Co , LTd .

Gignoux, ph. (2011). "DĒNAG". Encyclopaedia Iranica. 5(3), 282.

-Harper, O. (۱۹۷۸). The Royal Hunter Art Of The Sasanian Empire. New York.

-Gyselen, R.. (2004). New Evidence For Sasanian Numismatics: The Collection Of Ahmad Saeedi. Publie par le groupe pour l'Etude de la Civilisation du Moyen-Orient.

Perikhanian, The book Of A Thousand Judgements (A Sasanian Law Book. (۱۹۹۷). Mazda Publishers. Costa Mesa, California U.S.A.

Ritter, N. (۲۰۱۷). "On The Development Of Sasanian Seals And sealing Practice: A Mesopotamian Approach". Leiden, 99-114.

www.sasanids.com

www. Tarikh\۰- Blogfa.com.

